

فرهنگ جهاد و شهادت در زبان استعاری شاعر انقلاب اسلامی، حسین اسرافیلی

دکتر حسین علیقلی زاده*

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۰۳

چکیده

امروزه ادبیات در کنار فیلم، موسیقی، ماهواره، نقاشی و مانند آن، یکی از رسانه‌های مؤثر برای انتقال اندیشه و فرهنگ است. از دیرباز با توجه به زمان و شرایط، همواره از جلوه‌های مختلف ادبی استفاده شده است. در کشورهای اروپایی و غرب، به خصوص بعد از رنسانس، از ادبیات داستانی به ویژه رمان پررنگ‌تر از جنبه‌های دیگر ادبی برای القای جهان‌بینی موردنظرشان به سایر کشورهای دنیا بهره‌برداری می‌شود، اما در ایران با توجه به پیشینه و شرایط تاریخی، اجتماعی، دینی و فرهنگی و نیز ذوق و قریحه ایرانیان، همواره شعر بیشتر از سایر هنرها مورد توجه بوده است. یکی از شاعران معاصر که برای بیان و انتقال فرهنگ، اندیشه و عقاید خود به مخاطبان، از زبان استعاره استفاده کرده، حسین اسرافیلی است. استعاره از رساترین و هنری‌ترین شیوه بیان در شعر است که از گذشته مورد توجه شاعران بوده است. این جستار بر آن است تا به این فرضیه جواب دهد که آیا زبان استعاری می‌تواند در خدمت یک فرهنگ و آرمان باشد یا نه؟ اگر این‌گونه است، آیا اسرافیلی توانسته است زبان استعاره را در خدمت فرهنگ جهاد و شهادت به کار گیرد؟ با مطالعه مجموعه اشعار اسرافیلی و استخراج استعاره‌های به کاررفته در آثار وی، ابتدا استعاره‌ها را از نظر ساختار مصرحه و مکنیه طبقه‌بندی کرده، سپس آنها را از دو منظر معنا و مفهوم و نیز زیباشناختی و هنری بررسی کردیم. برای تحلیل موضوعی استعاره‌های اشعار او از نمودار آماری بهره بردیم و نتیجه گرفتیم که هم از نظر هنری و هم از نظر معنا و مفهوم، بیش از ۹۰ درصد استعاره‌های شعر وی در خدمت فرهنگ ایثار و شهادت است و از این نظر، یکی از موفق‌ترین شاعران در عرصه ادبیات پایداری و شعر متعهد به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: استعاره، حسین اسرافیلی، فرهنگ جهاد و شهادت، رسانه، ادبیات.

* - استادیار دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

مقدمه

بیان موضوعات، به شیوه‌های مختلف امکان‌پذیر است. همچنین برای بیان آنها اقتضائاتی هست که باید آن را به تناسب زمان، مکان و شرایط سنجید و بدان عمل کرد. به قول حافظ، «هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد»؛ بنابراین برای بیان مفاهیم و موضوعات مورد نظر باید به زمان و مکان ارائه، شرایط مخاطب و شرایط مختلف توجه کرد. خداوند متعال هم این شرایط را در قبال بندگان خود مراعات کرده است، مثلاً برای بیان مفاهیم دینی از طریق پیامبران، ابتدا شخص خاصی را متناسب با خودشان از میان آن قوم انتخاب کرده و در انتخاب شخص به زمان، مکان و مخاطب توجه کرده است؛ دوم اینکه برای اثبات مفاهیم دینی، معجزات گوناگون به پیامبران داده است. اینکه انواع معجزات وجود دارد، نشانگر این است که باید برای بیان موضوعات مختلف به شرایط توجه کرد. شکافتن دریا، ید بیضا، ناقه از کوه بیرون کشیدن، مائده از آسمان فرستادن، سخن گفتن در مهد، درمان پستی، سخن گفتن با پرندگان و غیره همه حکایت از آن دارد که خداوند برای بیان مفاهیم و فرهنگ دینی، به شرایط توجه می‌کند. ما نیز باید برای بیان اندیشه و موضوع یا انتقال یک فرهنگ، به شرایط و ابزار ارائه آن توجه کنیم.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در عصر حاضر رسانه‌ها بیشترین تأثیر را بر روی مخاطبان دارند. برای همین بنگاه‌های سرمایه‌داری، برای تبلیغ کالاهای خود از آن بهره‌برداری می‌کنند. غرب برای القای تفکر خود از رسانه‌های تصویری، صوتی و متنی استفاده می‌کند و با تکرار و القای مکرر آن به مخاطب، حرف به ظاهر حق را به جای حق بر مردم می‌قبولاند. با ساختن فیلم‌های مختلف سینمایی، مستندها، برنامه‌های مختلف مصاحبه، گزارش و غیره در تلویزیون و ماهواره و همچنین برنامه‌های خبری و تفسیری و نیز روزنامه‌های مختلف، سعی دارند اندیشه و ایدئولوژی مورد نظر خود را به دنیا ابلاغ کنند و جایگیر سازند.

هنر در میان این رسانه‌ها نقش مؤثری دارد. بیان فرهنگ‌ها و مذاهب با ادبیات، نقاشی، موسیقی و فیلم تأثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد و آنها را جذب می‌کند. غرب برای انتقال فرهنگ خود در دنیای معاصر، بیشترین بهره را از فیلم و موسیقی می‌برد؛ چون در کشور ما

فعالیت‌ها و امکانات هنری، از جمله فیلم‌سازی، نقاشی و موسیقی محدودیت‌ها و مشکلاتی دارد. نقش و مسئولیت فرهنگ‌سازی و انتقال فرهنگ، از گذشته دور به ادبیات واگذار شده است. در شعر یکی از مؤثرترین شیوه‌های هنری و بلاغی که بالاترین تأثیربخشی را دارد، استعاره است. استعاره از نظر بلاغی از قدرتمندترین شیوه‌های بلاغی است و شاعران برجسته زبان فارسی از آن به زیبایی استفاده کرده‌اند. حوزه خیال‌پردازی شاعر با چند عنصر بلاغی به زبان انتقال می‌یابد، مانند: کنایه، تشبیه، مجاز و استعاره که استعاره در این بین از مهم‌ترین و بدیع‌ترین آنها محسوب می‌شود.

دو دیدگاه عمده درباره استعاره و کارکرد آن وجود دارد: ۱. «دیدگاه سنتی»: معتقد است استعاره مخصوص زبان شعر است؛ استعاره برای زینت دادن و زیبا کردن زبان است؛ استعاره در واژگان صورت می‌گیرد؛ استعاره مبتنی بر شباهت است و... «استعاره برای تزئین زبان متعارف بسیار کارآمد است. مؤثرترین شیوه است برای تامل و بخشیدن به سبک و فاخر کردن آن... ارزش غایی استعاره در کارکرد تزئینی آن است» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۲۶). در کتاب‌های بلاغت زبان عربی و فارسی هم این نوع دیدگاه درباره استعاره وجود دارد: «استعاره بزرگ‌ترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است و دیگر از آن پیش‌تر نمی‌توان رفت. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۵۶). البته بحث‌های دیگری غیر از کارکرد زیباشناسی استعاره هم در این نوع کتاب‌ها آمده است، ولی این مطالب به عنوان یک نظریه مستقل و متفاوت از بلاغت سنتی نیست: «استعاره مهم‌ترین مبحث بلاغت (و به اعتباری ادبیات) است... مجاز و تشبیه در حقیقت، مقدمه‌ای برای بحث استعاره [است] و... سمبل، تمثیل، اسطوره و آرکی‌تایپ هم همه مبتنی بر بحث استعاره هستند» (شمیسا، همان: ۱۵۵)؛ ۲. «دیدگاه زبان‌شناسی شناختی به استعاره»: جرج لیکاف و مارک جانسون آن را در کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» مطرح کرده و دیدگاه سنتی را به چالش کشیده‌اند: «۱. استعاره ویژگی مفاهیم است، نه واژه‌ها؛ ۲. استعاره برای درک بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود، نه برای خلق زیبایی؛ ۳. استعاره اساساً مبتنی بر شباهت نیست؛ ۴. استعاره بدون هیچ تلاشی توسط عوام در زندگی روزمره استفاده می‌شود و مختص افراد خاص (مثلاً ادبا) نیست؛ ۵. نه تنها استعاره اضافی و تزئینی نیست، بلکه فرایند اجتناب‌ناپذیر تفکر و استدلال بشری است» (گوچس، ۱۳۹۳: ۶).

ادبیات در کشور ما همواره مورد توجه عموم مردم بوده است، به ویژه شعر که از قدیم مردم ایران برای آن ارزش ویژه‌ای قائل بوده و اندیشه‌های بلند عرفانی، عاشقانه، حماسی و تعلیمی و دینی خود را با زبان شعر به بهترین شیوه به فارسی‌زبانان و مخاطبان دیگر خود انتقال داده‌اند، مفاهیمی که شاید زبان نثر کمتر می‌توانست آن را به این اندازه خوب، شیوا، رسا و هنری ابلاغ کند و برساند. البته در ادبیات معاصر غرب، این نقش را بیشتر ادبیات داستانی به ویژه رمان برعهده دارد، ولی در ایران، با وجود حضور فعال ادبیات داستانی، به تبع پذیرش و تقلید از غرب، شعر همچنان بر جایگاه اثربخشی گذشته خود تکیه دارد.

در تاریخ ادبیات فارسی، بیشتر شاعران به نسبت‌های مختلف، از استعاره بهره برده‌اند؛ همچنین استعاره‌هایی که شاعران استفاده می‌کنند برخی بدیع، خلاقانه و خیال‌انگیز و برخی عام و مبتذل است. بعضی از شاعران به دلیل استفاده از استعاره‌های نو و بدیع، سبکی تازه و نو برای خود به وجود آورده‌اند، مانند خاقانی و نظامی که از شاعران بزرگ سبک آذربایجانی هستند.

از میان مفاهیم بلند عرفانی و دینی در فرهنگ اسلامی ما، فرهنگ جهاد و شهادت هم‌زمان با انقلاب اسلامی، به خصوص در دوران دفاع مقدس، در بین شاعران و هنرمندان جمهوری اسلامی به اوج خود رسید و بیان آن رایج شد. نقش شاعران در این عرصه، فعال‌تر از سایر هنرمندان بود. با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، شاعران در عرصه شعر و شاعری، همدوش با رزمندگان و جوانان مجاهد به نقش خود عمل کردند و فرهنگ جهاد و شهادت را که از آموزه‌های دینی ماست، به مخاطبان خود انتقال دادند. یکی از این افراد که نقش پررنگی در این عرصه داشت، «حسین اسرافیلی» است.

در شعر اسرافیلی و برخی دیگر از امثال و اقران او، با اینکه از نظر مفهومی نگاه به استعاره نو و امروزی است، در برخی موارد مانند مبتنی بودن بر تشبیه و بر روی واژگان بودن استعاره، همچنان نگاه سنتی وجود دارد. نشان دادن توانایی‌های شاعران در کاربرد استعاره به عنوان ابزار انتقال مفاهیم و معانی می‌تواند راهگشا و راهنمای افراد دیگر باشد و از ضرورت‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود. از اهمیت تحقیق پیش رو این است که این معنا و مفهوم مربوط به فرهنگ جهاد و شهادت است و اینکه زبان و استعاره ویژه‌ای را می‌طلبد و اسرافیلی توانسته است به خوبی از عهده این کار برآید.

سؤال تحقیق

با توجه به جایگاه استعاره در زبان شعر و تأثیرگذاری آن، در این مقاله برآنیم به این سؤالها جواب دهیم: استعاره در شعر اسرافیلی چه جایگاهی دارد و بسامد و انواع آن چگونه است؟ موضوع جهاد و شهادت که در زبان استعاری اسرافیلی به کار رفته است، اندیشه بنیادی اوست یا فقط یکی از موضوعات فکری اش؟ کاربرد استعاره در زبان اسرافیلی به منظور نشان دادن خلاقیت و هنرمندی شاعر است یا برای بهره‌برداری در رسیدن به اهداف والاتر و ایدئولوژیک؟ به عبارت دیگر، استعاره در شعر اسرافیلی کارکرد سنتی دارد یا کارکرد نو؟ با تقسیم استعاره به مصرّحه و مکنّیه و بحث از دو دیدگاه مختلف: الف) موضوع، معنا و فرهنگ و ب) هنری و زیبایی‌شناختی، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم.

هدف تحقیق

هدف اصلی و اساسی این تحقیق بررسی و نمایاندن نقش زبان استعاری اسرافیلی در تبیین و انتقال فرهنگ جهاد و شهادت است. برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده و رسیدن به هدف اصلی تحقیق، ساختار این مقاله بر دو بخش زیر قرار گرفت:

- بررسی استعاره‌های مصرّحه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی؛
- بررسی استعاره‌های مکنّیه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی.

با ارائه نمودار آماری درباره فراوانی استعاره‌های مصرّحه و مکنّیه و بررسی و تحلیل هر دو نوع آن، بررسی موضوعات استعاره‌ها، بررسی هنری و زیبایی‌شناختی این استعاره‌ها، بررسی هماهنگی استعاره‌ها با بافت کلی شعر و در نهایت، تطابق این مفاهیم با فرهنگ اسلامی، به دنبال هدف اصلی پژوهش، یعنی نمایاندن نقش استعاره در انتقال فرهنگ جهاد و شهادت در اشعار اسرافیلی هستیم. علاوه بر این، با توجه به مطالب بیان شده، اهداف زیر نیز به دست می‌آید:

- با توجه به اینکه فرهنگ‌پذیری جامعه از طریق رسانه بیشتر شده است و در جامعه ما شعر اهمیت زیادی دارد، با این تحقیق نقش شعر و شاعر در انتقال فرهنگ و گفتمان بارزتر می‌شود؛
- ارائه نمونه‌ای قوی از شعری که فرهنگ جهاد و شهادت را به زیبایی انتقال می‌دهد؛
- توجه پژوهشگران و محققان در عرصه فرهنگ و هنر به این مسئله معطوف، و موجب می‌شود که در آینده، تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهند.

پیشینه بحث

درباره بلاغت و استعاره در شعر، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است و بسیاری از دیوان‌های شعر شاعران از این نظر بررسی شده‌اند؛ اما درباره شعر انقلاب و دفاع مقدس، اول اینکه تحقیق و پژوهش کمتری در زمینه بلاغت صورت گرفته است؛ دوم اینکه به صورت تخصصی روی استعاره کار نکرده‌اند و سوم اینکه این تحقیقات جنبه هنری و زیباشناسی شعر را بررسی کرده و کارکرد بلاغت شعر و به خصوص استعاره را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و غیره مطرح نکرده‌اند. چند نمونه از این تحقیقات که در حوزه شعر انقلاب و دفاع مقدس و بلاغت انجام شده است، موارد زیر است: الف) کتاب‌ها: صور خیال در شعر مقاومت، حسن قاسمی؛ حماسه‌های همیشه (دفاع مقدس در شعر شاعران، زندگی‌نامه، شعر، نگاه، نقد و نظر) پرویز بیگی حبیب‌آبادی؛ شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس) ضیاءالدین ترابی؛ ب) مقاله‌ها: «نقد و تحلیل بلاغی شعر پایداری کاشانی براساس دفتر شعر هزار دامن گل سرخ» حسین علیقلی‌زاده و حمید پولادی؛ «صور خیال در شعر دفاع مقدس» حسن قاسمی؛ «نقد و تحلیل بلاغی شعر سیمین دخت وحیدی»، حسین علیقلی‌زاده؛ ج) پایان‌نامه‌ها: بررسی صور خیال در شعر پنج‌تن از برجسته‌ترین شاعران ادبیات مقاومت پیش از انقلاب، آرزو کولیوند؛ بررسی صور خیال در شعر شاعران دفاع مقدس دکتر قیصر امین‌پور و دکتر حسن حسینی، محمد جزینی‌زاده. همه این پژوهش‌ها در حوزه بلاغت و ادبیات دفاع مقدس یا انقلاب اسلامی است و هیچ‌کدام از اینها به صورت تخصصی روی استعاره کار نکرده‌اند و در حوزه فرهنگ و رسانه نیستند. این مقاله از اولین مطالعات تخصصی در زمینه کاربرد استعاره در دیوان یک شاعر انقلابی و کارکرد آن در انتقال فرهنگ جهاد و شهادت است.

روش تحقیق

این پژوهش بر داده‌هایی مبتنی است که از سه مجموعه شعر اسرافیلی به نام‌های «عبور از صاعقه»، «تولد در میدان» و «در سایه ذوالفقار» به دست آمده است. روش کار به شکل مطالعه کتابخانه‌ای بوده است، ابتدا استعاره‌های این مجموعه‌های شعری استخراج شدند؛ بعد به کمک علم بلاغت، استعاره‌ها از نظر مفهومی و هنری مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و با تحلیل این ارزیابی‌ها نتایج حاصل شد که در ذیل نتیجه‌گیری آمده است.

تعریف اصطلاحات و مفاهیم

استعاره: «استعاره مصدر باب استفعال و به معنی عاریه گرفتن و عاریه خواستن چیزی از کسی است و در اصطلاح، به معنی عاریه گرفتن لفظ از معنی حقیقی و استعمال آن در معنی مجازی است، به شرطی که وابستگی میان معنی حقیقی و مجازی براساس مشابهت باشد. به عبارت دیگر، استعاره استعمال لفظ در غیر ما وُضِعَ له با علاقه مشابهت و وجود قرینه صارفه است. منظور از قرینه صارفه نشانه و علامتی است که به وسیله آن مخاطب از معنی حقیقی منصرف شده، متوجه معنی مجازی می‌شود» (نصیریان، ۱۳۸۷: ۱۴۱). استعاره همان تشبیه است که فقط یکی از ارکان آن باقی مانده است: «استعاره در حقیقت، تشبیه فشرده (simile condensed) است؛ یعنی تشبیه را آنقدر خلاصه و فشرده می‌کنیم تا فقط از آن مشبه به باقی ماند» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۵۵).

استعاره دارای چهار رکن است: مستعار: لفظی که در آن استعاره شده است؛ لفظ مستعارمنه / مستعارمنه (مشبه به): معنای اولیه و قاموسی / مستعارله (مشبه): معنای مجازی و مورد نظر شاعر / جامع (وجه شبه): ویژگی مشترک بین مستعارمنه و مستعارله.

جهاد: در اصطلاح فقهی «در راه دین جنگیدن (یکی از فروع دین)» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «جهاد») است که شامل جهاد اکبر و جهاد اصغر می‌شود. جهاد اکبر در اصطلاح فقهی «تحمل رنج و ریاضت برای مبارزه با امیال و آرزوهای نفسانی» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «جهاد اکبر») است که مقابل جهاد اصغر است که در اصطلاح فقهی «جنگ با دشمنان دین خدا» (همان: ذیل «جهاد اصغر») است.

شهادت: «کشته شدن در راه آرمان، به‌ویژه آرمان دینی یا میهنی» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «شهادت») منظور ما از «شهادت» در این پژوهش، ایثار جان در راه آرمان‌های دینی است که از نتایج و ثمرات جهاد است.

فرهنگ: برای فرهنگ معانی مختلفی ذکر شده است، از جمله: «راه و رسم زندگی یک جامعه در اصطلاح مردم‌شناسی؛ مرکب از «فر» به معنی جلو و پیش و «هنگ» از ریشه «ثنگ» (thang) اوستایی به معنی کشیدن و تربیت کردن (فرهختن) که مطابق است با ادوکات = Educat و Education و ادوره = Edure به لاتینی، که در انگلیسی به معنی آموزش و پرورش کاربرد دارد و گاهی لفظ Culture به جای آن به کار می‌رود که به معنی تمدن است.» (صدر، فانی و

خرمشاهی: ۱۳۹۱: ذیل «فرهنگ». همچنین در منبعی دیگر فرهنگ چنین تعریف شده است: «۱. پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است... ۲. مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی درباره هنر، ادبیات، علم، سیاست و مانند آن که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد... ۳. ادب، شعور یا تربیت اجتماعی» (انوری، ۱۳۸۲: ذیل «فرهنگ»).

اما در این پژوهش منظور ما از فرهنگ، همه باورها، عقاید، آداب، رسوم، هنر، اندیشه، شیوه زندگی و آموزه‌هایی است که منبع و منشأ دینی دارد و به صورت یک گفتمان و مکتب درباره موضوعات مطرح است. در این تحقیق، باورها و عقاید مربوط به جهاد و شهادت مورد نظر است.

رسانه (Medium) (Media): رسانه‌ها: «مجموعه ابزارها و روش‌هایی که برای ارتباطات اجتماعی و شخصی به کار می‌روند، با توجه به نوع ارتباط، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: رسانه‌های شخصی و رسانه‌های جمعی. از نظر مفهومی نیز به دو گروه تقسیم می‌شود: (۱) رسانه‌های منطقی، شامل: روابط عمومی، تبلیغات، روزنامه‌نگاری، اطلاع‌رسانی، زبان نوشتاری، زبان گفتاری و غیره... ۲) رسانه‌های فیزیکی، شامل: رادیو، تلویزیون، روزنامه و مانند آنها» (محمدی‌فر، ۱۳۷۸: ذیل «رسانه‌ها»).

کتاب‌های شعر اسرافیلی از جمله زبان نوشتاری است که زیرمجموعه رسانه منطقی به‌شمار می‌رود.

بررسی و تحلیل موضوع

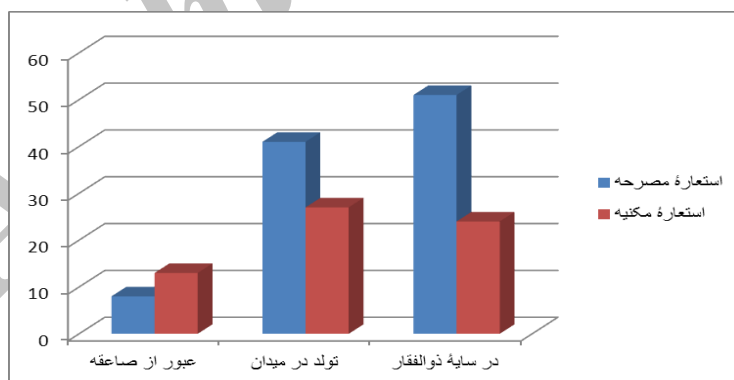
برای بررسی دقیق استعاره‌ها، تبیین ارزش هنری و نیز موضوع و مفهوم آنها و جایگاه استعاره در انتقال فرهنگ جهاد و شهادت در شعر اسرافیلی، آنها را به دو ساختار کلان مصرّحه و مکّیّه تقسیم کرده و در زیر هر کدام به تحلیل محتوایی و مفهومی و نیز هنری و بلاغی آنها پرداخته‌ایم.

۱. بررسی استعاره‌های مصرّحه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی

با استخراج استعاره‌های مصرّحه به کاررفته در مجموعه‌های شعر اسرافیلی و تقسیم آنها به موضوعات مختلف، روشن شد که بیشتر این استعاره‌ها در موضوعات مرتبط با فرهنگ جهاد و شهادت جای می‌گیرند. به همین علت، این استعاره‌ها در هفت موضوع مرتبط با این مفهوم

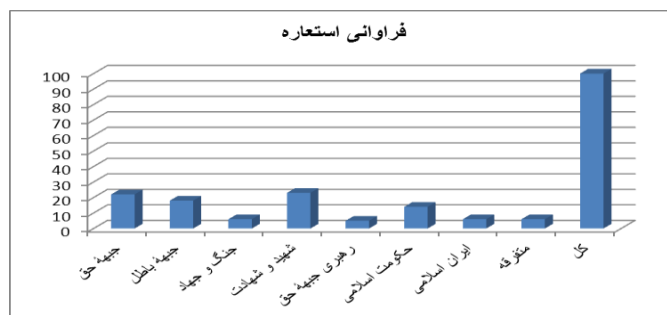
طبقه‌بندی و یک مورد موضوعات متفرقه نیز به اینها اضافه شد که در کل، در هشت طبقه جای گرفتند. در این فرهنگ، اولاً، شهادت بالاترین درجه را دارد و بیشترین فراوانی استعاره درباره آن آمده است؛ ثانیاً، دو جبهه متضاد حق و باطل وجود دارد که باز بیشترین استعاره‌ها در این دو حوزه است. از موضوعات دیگر مهم در این فرهنگ، نقش رهبری جبهه حق است که با هدایت جنگ، جهاد و انقلاب به دنبال ایجاد حکومت حق است و این جز با انقلاب اسلامی، شهادت و جان‌فشانی رزمندگان و مجاهدان راه حق ممکن نمی‌شود. بهترین سرزمین برای ایجاد حکومت اسلامی ایران اسلامی با سابقه دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) است که در این استعاره‌ها نمود پیدا کرده است. علاوه بر این استعاره‌ها، چند استعاره مصرحه متفرقه هم در بین مجموعه‌های اشعار اسرافیلی وجود دارد که در تقسیم‌بندی مورد نظر ما قرار نمی‌گیرند، اما در حالت کلی با اندیشه و فرهنگ جهاد و شهادت مرتبط‌اند، مانند: زندان، سنگر، دنیا، اشک و گریه که به صورت عمومی مطرح شده‌اند و در بیشتر اشعار شاعران، از این گونه استعاره‌های عمومی می‌توان یافت. این استعاره‌های متفرقه، بنا بر آمار ما، ۶ درصد از کل مجموعه استعاره‌های مصرحه را شامل می‌شود که می‌توان گفت: «النَّادِرُ كَالْمَعْدُومِ».

در نمودار زیر، فراوانی استعاره‌های مصرحه و مکنیه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی روشن و مشخص می‌شود که استعاره‌های مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» از سایر مجموعه‌ها بیشتر است. مجموعه شعر «عبور از صاعقه» کمترین بسامد استعاره را، چه مصرحه چه مکنیه، دارد.



نمودار ۱- فراوانی استعاره به تفکیک مصرحه و مکنیه در مجموعه اشعار اسرافیلی

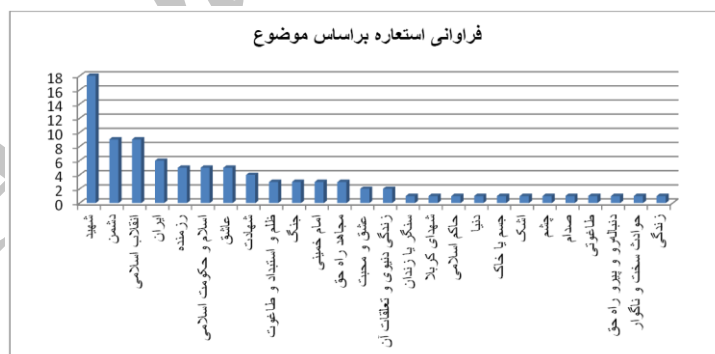
استعاره‌های مصرحه شعر اسرافیلی در یک طبقه‌بندی کلی شامل این موضوعات است: جبهه حق، جبهه باطل، جنگ و جهاد، شهید و شهادت، رهبری جبهه حق، حکومت اسلامی، ایران اسلامی و متفرقه، که براساس آمار دارای این نمودار هستند:



نمودار ۲- فراوانی استعاره مصرحه به تفکیک موضوعات ریز، در مجموعه اشعار اسرافیلی

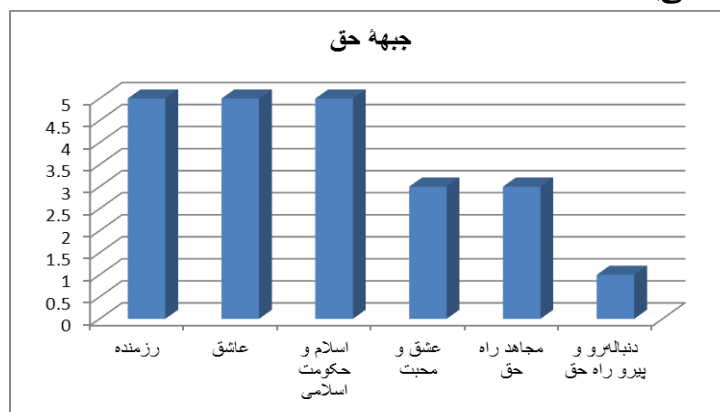
موضوعات استعاره‌های مصرحه شعر اسرافیلی

با استخراج و تبیین مستعارله‌های به کاررفته در اشعار اسرافیلی این برداشت حاصل می‌شود که گویی وی موضوع جهاد و شهادت و دفاع مقدس را از قبل انتخاب کرده و همه شعرهایش را بر آن اساس گفته است، چون فراوانی مستعارله‌های این موضوع بیش از ۹۰ درصد است؛ اما درحقیقت این گونه نیست که او از قبل این اندیشه را داشته باشد، بلکه حس درونی و اندیشه انقلابی شاعر، او را به این مضامین و مفاهیم کشانده است.



نمودار ۳- فراوانی استعاره براساس موضوع

الف) جبهه حق (رزمنده، مجاهد راه حق، پیروان راه حق، عشق و محبت، عاشق، اسلام، حکومت اسلامی)



نمودار ۴- فراوانی موضوعات مربوط به جبهه حق

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

در تکاپوی نخل‌های رشید (رزمندگان) / خاک را مشت‌مشت بو کردم، ص ۱۳؛ حرم پر از بت و بت‌هاست ای تیرداران (مجاهدان راه حق) / در انتظار شکستن لب تیر تا چند، ص ۲۸؛ ظفر نثار شما باد یاوران حسین (مجاهدان و پاسداران انقلاب اسلامی) / به فتنه‌های یزید این همه شررتا چند، ص ۲۸؛ در انتظار سپیده (اسلام و حکومت اسلامی) / فلق به خون آلود / بیا که فرصت این شام بدگهر تا چند، ص ۲۸؛ برخیز و به شحنه‌ها ببر یورش / فریاد بلند بودر (مجاهد راه حق یا امام خمینی) است اینجا، ص ۵۱؛ لاله می‌سوزد به صحرا چون چراغ کاروان / شعله می‌داند چه‌ها بر باغ نیلوفر (رزمندگان ایران اسلامی یا ایران اسلامی) / گذشت، ص ۵۶؛ آفتاب (اسلام یا حاکم اسلامی) است اینکه می‌بینی فراز کوهسار / گاه میدان‌داری خفاش‌ها دیگر گذشت، ص ۵۶؛ لاله‌ها هرچند داغی داشتند / رهنوردان (پیرو و دنباله‌رو) را چراغی داشتند، ص ۱۰۶.

در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

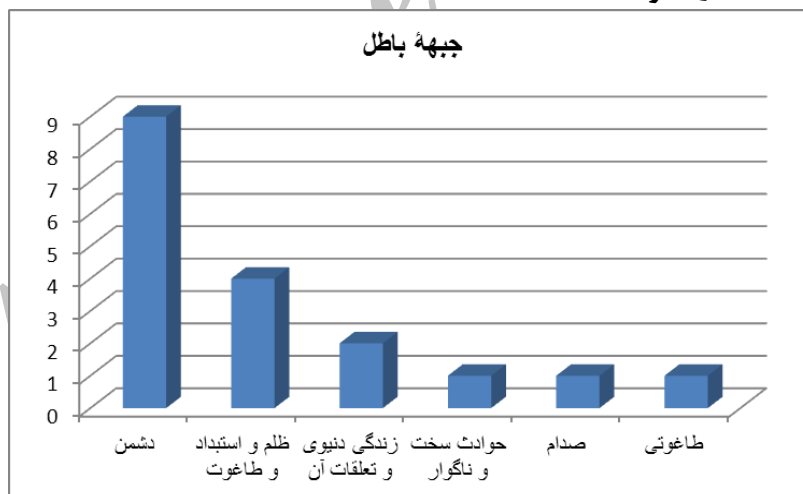
سرابخانه ما جای تو نبود آری / نهنگ حادثه (رزمنده یا رزمنده شهید) را آشیان دل دریاست، ص ۵۴؛ کجایید ای سروهای بلند (رزمندگان یا شهیدان) / به طوف شما جنگل احرام‌بند، ص ۵۸؛

پاکباز عشق را شور و شراری دیگر است / نوح (عاشق) این دریا (عشق) نگاهش بر کناری دیگر است، ص ۴۱؛ گرد میدان را بشوی از باره خونین رکاب / کاین سوار عرصه (عاشق) را عزم دیاری دیگر است، ص ۴۱؛ خانه گر در آتش بیداد می سوزد چه باک / لانه مرغان حق (عاشق) را شاخساری دیگر است، ص ۴۱؛ گر به خاک افتاد سرداری (عاشق) در این میدان (عشق) چه باک / مرکب این سربداران (عاشقان) را سواری دیگر است، ص ۴۲؛ زیر هر گامی شقایق کاشتیم / تا که این پرچم (حکومت اسلامی) فرا افراشتیم، ص ۶۹؛ اینک این پرچم (انقلاب اسلامی یا حکومت اسلامی) که در دستان شماست، ص ۳۵؛ گله بدشگون خفاشان / پاس خورشید (اسلام و حکومت اسلامی) را نمی دارد، ص ۷۷؛ دشنه در دست خویشتن دارد / دزد این آفتاب (اسلام و حکومت اسلامی) زاینده، ص ۷۸.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

کیانند این سروهای رشید (رزمندگان) / علمدار مردان سبز و رشید، ص ۱۵؛ جهان پیش تو کهنه دلقی حقیر / دل عاشقان در کمندت (عشق و محبت) اسیر، ص ۲۵.

ب) جبهه باطل (دشمن، بئنی، ظلم، خفقان و استبداد، کفر، طاغوت، تعلقات دنیوی، حوادث سخت و ناگوار)



نمودار ۵- فراوانی موضوعات در جبهه باطل

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

به دست قدرت تو ذوالفقار عاشورا است / زمان به کام یزیدیان (دشمنان و عراقی‌ها) فتنه‌گر تا چند، ص ۲۷؛ در انتظار سپیده فلق به خون آلود / بیا که فرصت این شام (ظلم و استبداد و طاغوت) بدگهر تا چند، ص ۲۸؛ حرم پر از بت (کفر و طاغوت و طاغوتیان) و بت‌هاست ای تبرداران / در انتظار شکستن لب تبر تا چند، ص ۲۸؛ ظفر نثار شما باد یاوران حسین / به فتنه‌های یزید (صدام) این همه شرر تا چند، ص ۲۸؛ برخیز و به شحنه‌ها (طاغوتی و دشمن) ببر یورش / فریاد بلند بوذر است اینجا، ص ۵۱؛ آفتاب است اینکه می‌بینی فراز کوهسار / گاه میدان‌داری خفاش‌ها (دشمنان) دیگر گذشت، ص ۵۶؛ موج این دریا (زندگی دنیوی) فریبت می‌دهد ای دل حذر / نوح اینجا می‌شود بازیچه گرداب‌ها (تعلقات دنیوی)، ص ۶۱.

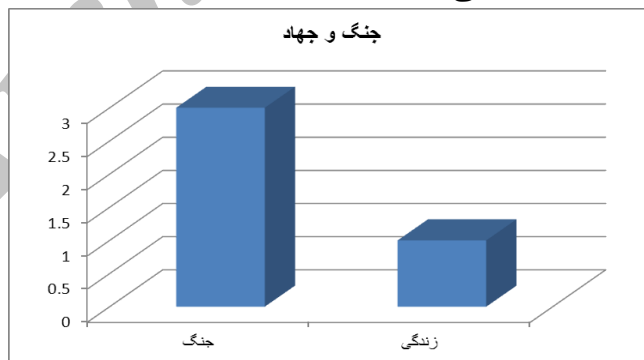
در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

قابیلیان (عراقی‌ها و دشمنان)، ص ۶۶؛ از هجوم زخم‌چنگیز و تبار (دشمن بعثی و عراقی‌ها) / کوچه‌هایت شاهد معراج شد، ص ۶۷؛ و آن غباری که می‌رسد از دور / از هجوم پلید رهزن‌هاست (دشمن)، ص ۷۶؛ گله بدشگون خفاشان (دشمن کوردل) / پاس خورشید را نمی‌دارد، ص ۷۷؛ دشنه در دست خویشتن دارد / دزد (دشمن) این آفتاب زاینده، ص ۷۸؛ خولیان (دشمن و عراقی‌ها) در پناه جوشن‌ها / هان مبادا حسین دیگر بار / در مصاف یزیدیان (دشمنان) تنها، ص ۷۸.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

ستادند چون کوه در اتحاد / نگشتند خم پیش طوفان و باد (حوادث سخت و ناگوار)، ص ۱۷.

ج) جنگ و جهاد (جنگ، زندگی)



نمودار ۶- فراوانی موضوعات مربوط به جنگ و جهاد

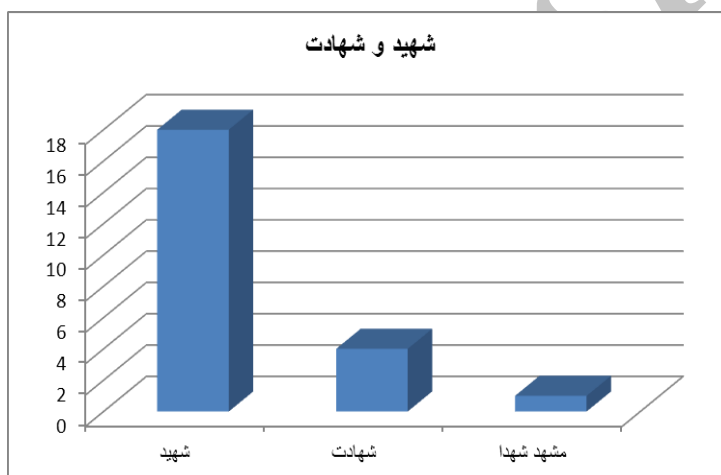
در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

هم نفس با موج شد بر گرده دریا (جنگ یا مردم) نشست / آنکه در این موج خون، تکبیر
طوفان زد دلش، ص ۵۸؛ کس نمی آید سلامت از دل میدان برون / غرق این دریا (جنگ) ندارد
شوق امن ساحلش (زندگی و آرامش)، ص ۵۹.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

ستادند چون کوه در اتحاد / نگشتند خم پیش طوفان و باد (جنگ و مبارزه، حوادث سخت و
ناگوار)، ص ۱۷.

(د) شهید و شهادت



نمودار ۷- فراوانی موضوعات مربوط به شهید و شهادت

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

با شمایم شما که در هر گام / دشت ها را ستاره (شهید) کاشته اید / دفتر شعر من به یاد شما / با
لب لاله ها ورق خورده است، ص ۱۲؛ در پی لاله های خونین بال (شهید) / من هم از خون دل وضو
کردم، ص ۱۳؛ به دست قدرت تو ذوالفقار (خون و شهادت) عاشوراست / زمان به کام یزیدیان
فته گر تا چند، ص ۲۷؛ در انتظار سپیده فلک به خون آلود (شهید دادن و ریخته شدن خون) / بیا که

فرصت این شام بدگهر تا چند، ص ۲۸؛ بهار لاله در این کشتزار خون آلود (سرزمین ایران که شهید داده است، مشهد شهدا) / به دست فرصت بیداد خیره سر تا چند، ص ۲۸؛ لاله (شهید) می سوزد به صحرا چون چراغ کاروان / شعله می داند چه ها بر باغ نیلوفر گذشت، ص ۵۶؛ اینکه می چرخد فراز دوش شهری غرق خون / آفتابی (شهید) بود اما مثل گل پرپر گذشت، ص ۵۶؛ در مقام عاشقان جبریل را شهپر بریخت / بی وضو گر از مزار لاله احمر (شهید) گذشت، ص ۵۷؛ نیست آفت باغ را در لاله (شهید) زاران بهار / می شکوفد صد بهار از برگ برگ گلش (شهید)، ص ۵۹؛ منزل آن جان قدسی محبس این خاک نیست / کس شنید آفتابی (شهید) در حصار قاب ها، ص ۶۱؛ با مرگ هزار سرو (شهید) افتاده به خاک / این جنگل پایدار صیقل خورده است، ص ۷۸؛ وطنم از غم گل های جوان (شهید) گریه نکرد / سوخت و آب شد از سوز نمان گریه نکرد، ص ۹۲؛ لاله ها (شهید) هر چند داغی داشتند / رهنوردان را چراغی داشتند، ص ۱۰۶.

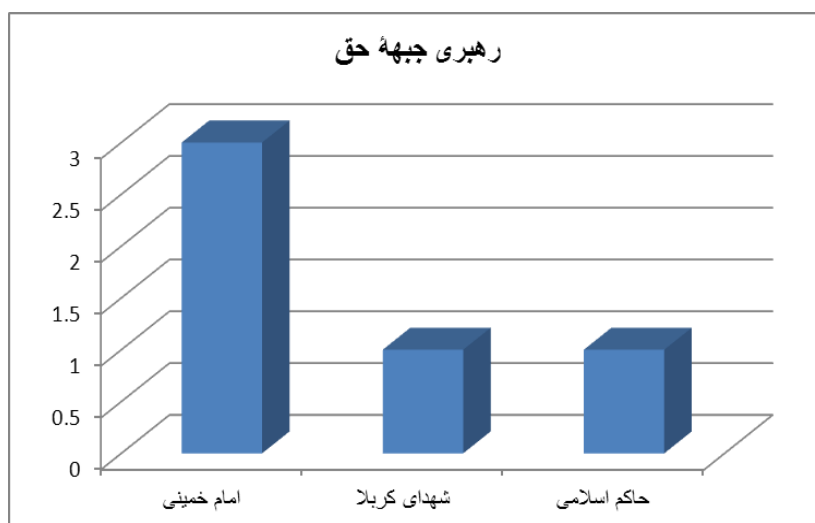
در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

هم از آن مهر (شهادت) است این شیرازه سرخ، ص ۳۳؛ سرابخانه ما جای تو نبود آری / نهنگ حادثه (رزمنده شهید یا رزمنده) را آشیان دل دریاست، ص ۵۴؛ کجایید ای سروهای بلند (شهیدان یا رزمندگان) / به طوف شما جنگل احرام بند، ص ۵۸؛ از هجوم زخم چنگیز و تبار / کوچه هایت شاهد معراج (شهادت) شد، ص ۶۷؛ زیر هر گامی شقایق (شهید) کاشتیم / تا که این پرچم فراا فراشتیم، ص ۶۹؛ بر سر دست لاله ها (شهیدان) بی تاب، ص ۷۹؛ بر سر شانه های زخمی شهر / نعش صد آفتاب (شهید) می چرخد / باد در جامه بلند و سیاه / غرق در اضطراب می چرخد، ص ۸۰.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

بین چشم تا چشم خط افق / پر از دست بیعت پر از لاله (شهید) هاست، ص ۲۳؛ تو بخشیده ای بر وطن آب روح / به گل های نهضت (شهیدان) چنین رنگ و بو، ص ۲۵.

ه) رهبری جبهه حق (امام خمینی، شهدای کربلا، حاکم اسلامی)



نمودار ۸- فراوانی موضوعات مربوط به رهبری جبهه حق

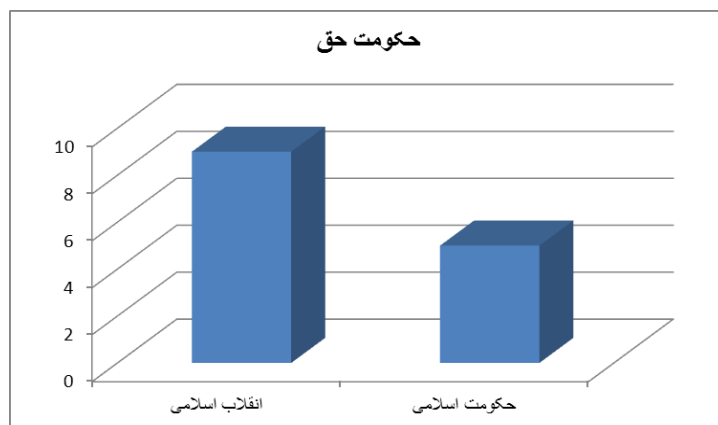
در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

ظفر نثار شما باد یاوران حسین (امام خمینی) // به فتنه‌های یزید این همه شرر تا چند، ص ۲۸؛
خولیان در پناه جوشن‌ها / هان مبادا حسین (امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی) دیگر بار / در مصاف
یزیدیان تنها، ص ۷۸؛ برخیز و به شحنه‌ها بیر یورش / فریاد بلند بوذر (امام خمینی یا مجاهد راه
حق) است اینجا، ص ۵۱؛ آفتاب (حاکم اسلامی یا اسلام) است اینکه می‌بینی فراز کوهسار / گاه
میدان‌داری خفاش‌ها دیگر گذشت، ص ۵۶.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

علمدار این نهضت حق شوند / به هفتاد و دو لاله (شهدای کربلا) ملحق شوند، ص ۲۱.

(و) حکومت حق (انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی)



نمودار ۹- فراوانی موضوعات مربوط به حکومت حق

در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

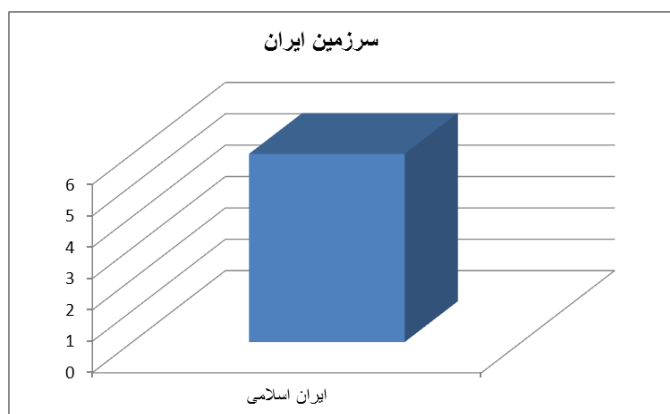
دیده این وادی (انقلاب اسلامی یا ایران) بسی حلاج‌ها، ص ۳۴؛ دیده این دریا (انقلاب اسلامی یا ایران) بسی طوفان و باد/ دارد این مسلخ (انقلاب اسلامی یا ایران) بسی خون‌ها به یاد، ص ۳۴؛ بس حماسه در رگ این ریشه (انقلاب اسلامی) است/ خون صد فرهاد بر این تیشه (انقلاب اسلامی) است، ص ۳۴؛ فرق‌ها را دست اهریمن شکافت/ تا که این سیلاب (انقلاب اسلامی) راه خویش یافت، ص ۳۴؛ دیده این جاده (انقلاب اسلامی) به طول سالیان/ دشنه بسیار در سایه نهران، ص ۳۴؛ این امانت (انقلاب اسلامی) را ز معبرهای تنگ/ گه به دندان برده‌ایم و گه به چنگ، ص ۳۵؛ اینک این پرچم (انقلاب اسلامی یا حکومت اسلامی) که در دستان شماس است، ص ۳۵؛ زیر هر گامی شقایق کاشتیم/ تا که این پرچم (حکومت اسلامی) فرااfrاشتیم، ص ۶۹؛ گله بدشگون خفاشان/ پاس خورشید (اسلام و حکومت اسلامی) را نمی‌دارد، ص ۷۷؛ دشنه در دست خویشان دارد/ دزد این آفتاب (اسلام و حکومت اسلامی) زاینده، ص ۷۸.

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

در انتظار سپیده (اسلام و حکومت اسلامی) فلق به خون آلود/ بیا که فرصت این شام بدگهر

تا چند، ص ۲۸؛ آفتاب (اسلام و حکومت اسلامی یا حاکم اسلامی) است اینکه می بینی فراز
کوهسار / گاه میدان داری خفایش ها دیگر گذشت، ص ۵۶.

ز) ایران اسلامی



نمودار ۱۰- فراوانی موضوعات مربوط به سرزمین ایران

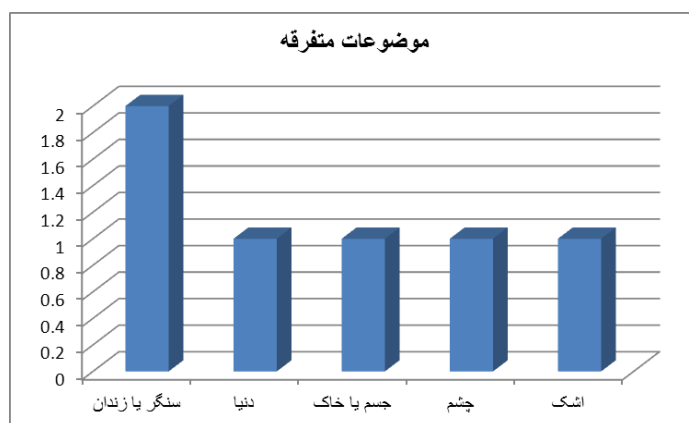
در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

در انتظار سپیده فلق (سرزمین ایران) به خون آلود/ بیا که فرصت این شام بد گهر تا چند، ص
۲۸؛ بهار لاله در این کشتزار خون آلود (ایران اسلامی)/ به دست فرصت بیداد خیره سر تا چند، ص
۲۸؛ حرم (ایران اسلامی) پر از بت و بت هاست ای تبرداران/ در انتظار شکستن لب تیر تا چند، ص
۲۸؛ لاله می سوزد به صحرا چون چراغ کاروان/ شعله می داند چه ها بر باغ نیلوفر (ایران اسلامی یا
رزمندگان ایران اسلامی) گذشت، ص ۵۶؛ نیست آفت باغ (سرزمین ایران) را در لاله زاران بهار/
می شکوفد صد بهار از برگ برگ گلش، ص ۵۹.

در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

دیده این وادی (ایران یا انقلاب اسلامی ایران) بسی حلاجها، ص ۳۴.

ح) موضوعات متفرقه



نمودار ۱۱- فراوانی موضوعات متفرقه

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

منزل آن جان قدسی محبس این خاک نیست / کس شنید آفتابی در حصار قاب‌ها (جسم و کالبد جسمانی، خاک)، ص ۶۱؛ بیم ویرانی است از باران گریه دیده را / خانه (چشم) ویران می‌شود آری پس از سیلاب‌ها (گریه، اشک)، ص ۶۱.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

هم آنان که در حجره‌های کهن (سنگر یا زندان) / به احیای قرآن فسرند تن، ص ۱۸؛ شب و ناله در گوشه حجره‌ها / همین است ره توشه حجره‌ها (زندان یا سنگر)، ص ۱۹.

در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

سرابخانه (دنیا) ما جای تو نبود آری / نهنگ حادثه را آشیان دل دریاست، ص ۵۴.

۲. بررسی استعاره‌های مکتبه در مجموعه‌های شعر اسرافیلی

استعاره‌های مکتبه در شعر اسرافیلی از سه جنبه حائز اهمیت و ارزش است:

الف) دیدگاه هنری و زیباشناختی

بهترین جنبه استعاره‌های مکتبه در شعر اسرافیلی در این نکته است که او در جان‌بخشی به اشیای بی‌جان تناسب و هماهنگی بین کلمات را به‌خوبی رعایت می‌کند و علاوه بر ایجاد استعاره و لذت‌بخشی به مخاطب از دید هنری، هماهنگی معنایی و واژگانی نیز در آن رعایت می‌شود، مانند: غصه‌دار بودن صدا؛ استخاره به نام کسی قرعه شهادت زدن؛ گلچین کردن شهادت از باغ گل ایران؛ شرمگین شدن شفق؛ بیداری نخل پرتیهاب در سراسیمگی و اضطراب حوادث و موارد فراوان دیگر. «ویژگی دیگر شعر اسرافیلی استفاده بجا از عنصر تشخیص در آفرینش تصاویر شعری است. اصولاً تشخیص سبب حرکت و پویایی تصاویر شعری می‌شود و به شاعر در تصویر صحنه‌های آمیخته با شور، حماسه و ایثار کمک می‌کند. اسرافیلی در تصویرهای شعر خود از مظاهر طبیعی بی‌جان نیز سود جسته است. البته بیشتر آنها که عمدتاً مظهر حرکت و جنبش‌اند یا اینکه با یک صفت به حرکت درمی‌آیند، نمونه‌های زیبایی از تشخیص را به تصویر کشیده‌اند» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

ب) از دید فرهنگ اسلامی

آموزه‌های اسلامی به ما می‌گوید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه/۱)؛ «ما سمیعیم و بصیریم و هشیم/ با شما نامحرمان ما خامشیم» (مثنوی مولوی). همه موجودات عالم از جماد، نبات و حیوان ذکر خدای سبحان می‌گویند و تنها مردان خدا آن را می‌شنوند و می‌فهمند و دیگران از فهم آن عاجزند: چون شما سوی جمادی می‌روید/ محرم جان جمادان چون شوید؛ از جمادی عالم جان‌ها روید/ غلغل اجزای عالم بشنوید (مثنوی مولوی).

«تشخیص» از این نظر، دیگر امری هنری و خیالی نیست، بلکه واقعیت و خود زندگی است. اینکه آفتاب شرمنده می‌شود؛ عرش بال می‌گشاید، دل زخم بر دوش گرفته است، دریاچه عاشقانه می‌خواند، نخل‌ها سوگوار است و غیره، همه می‌تواند عرصه نمودهای واقعی و حقیقی باشد که شاعر با فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی بر آن اعتقاد دارد و بر قلم می‌آورد؛ گویی که طبیعت هم‌آواز و هم‌آهنگ با مجاهدان راه حق می‌جنگد، سرود سر می‌دهد، غصه‌دار می‌شود، شهید می‌شود و زندگی می‌کند؛ همه اینها در عالم عرفان و معرفت حقیقی، عالمی واقعی و موجود است، نه خیالی و زیباشناختی.

ج) هماهنگی استعاره‌های مکتبیه با بافت کلی شعر

استعاره‌های مکتبیه موجود در شعر اسرافیلی با بافت کلی فرهنگ جهاد و شهادت هماهنگ و سازگار است؛ این امر ساختار واحدی را به کل مجموعه‌های اشعار وی داده است. هم در استعاره‌های مصرّحه و هم در استعاره‌های مکتبیه، فرهنگ جهاد و شهادت و موضوعات مطرح در آن، از حق و باطل، رهبری و رزمنده، داغ و درد و غیره، همه در این استعاره‌ها نمایان است و موضوعاتی غیر از اینها در حاشیه و در اقلیت قرار دارد. فضای حاکم بر استعاره‌های اسرافیلی، همین فرهنگ است.

در مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار»:

با شما حرف می‌زنم که شما/ التهاب بهانه‌های منید، ص ۱۱؛ عطرتان در مشام جان من است / باز هم روی شانه‌های منید، ص ۱۱؛ با شمایم شما که در هر گام/ دشت‌ها را ستاره کاشته‌اید؛ دفتر شعر من به یاد شما/ با لب لاله‌ها ورق خورده است، ص ۱۲؛ همره اضطراب پنجره‌ها/ همچنان شیشه‌ها شکستم من، ص ۱۲؛ در بلندای حنجر فریاد/ شعر و دانه شما بودم، ص ۱۳؛ با تپش‌های خون حلق شما/ شعر من بی‌امان رجز خوانده است، ص ۱۴؛ آن شبی کز جنون توطئه‌ها/ خانه‌های شما به غارت رفت، ص ۱۴؛ سال‌ها در میان خون و خطر/ دفتر شعر من نیاسوده است، ص ۱۵؛ به هیاهوی کدامین هوس افتاده دلم/ که از آن فرصت نایاب پس افتاده دلم، ص ۲۵؛ اشتیاق لب من بوسه به بازوی شماست/ روزگاری است که در این هوس افتاده دلم، ص ۲۵؛ بهار لاله در این کشتزار خون‌آلود/ به دست فرصت بیداد خیره‌سر تا چند، ص ۲۸؛ آن جوشن و تیغ مرتضی با ماست/ ای کفر تو را چه در سر است اینجا، ص ۵۱؛ لاله می‌سوزد به صحرا چون چراغ کاروان/ شعله می‌داند چه‌ها بر باغ نیلوفر گذشت، ص ۵۶؛ هم‌نفس با موج شد بر گرده دریا نشست/ آنکه در این موج خون تکبیر طوفان زد دلش، ص ۵۸؛ گرده‌های زخمی‌شان/ تازیانه را/ در دست‌های وحشی دژخیمان/ مأیوس کرده است، ص ۸۴؛ خورشید بارها/ بر زخم‌هایشان/ هر صبح/ بوسه حسرت نشانده است، ص ۸۵؛ و آن تیغ که بی‌حیا چنین می‌چرخد/ از سینه آهنین سپر می‌طلبید، ص ۸۷؛ گیسوان بلند نخلستان/ در تماشا نشسته دشمن را، ص ۹۸؛ در سرایش حادثه، بیدار/ نخل پرتهاب خوزستان، ص ۹۹؛ باز در کوچه‌های خونین شهر/ شب، ستاره ترانه خواهد خواند، ص ۹۹.

در مجموعه شعر «تولد در میدان»:

آواز عشق در دشت پیچید و بازگشت/ با حلق کوهساران لیبک یا خمینی، ص ۱۷؛ دریاچه عاشقانه می خواند این ترانه/ با قطره های باران لیبک یا خمینی، ص ۱۸؛ که استخاره به نام بلند و نامی تو قرعه شهادت زد، ص ۳۰؛ غم است و شب هم شب انتظار می پیچد/ میان کوچه صدا غصه دار می پیچد، ص ۳۹؛ سر به سودایی دگر می خواند آواز رحیل/ کاین دل مشتاق را با سر قراری دیگر است، ص ۴۲؛ حماسه می طلبد سینه را سپر اینجا، ص ۴۷؛ عصمت عشق، ص ۴۹؛ دوباره عشق مگر خیمه جنون زده است، ص ۵۳؛ شهادت از این باغ گلچین کند، ص ۵۷؛ شفق شرمگین از شط خونتان/ فلق لیلی آوای مجنونتان، ص ۵۸؛ کویر عطش تشنه گامتان، ص ۵۸؛ آفتاب ... گشاده پر خویشتن بر زمین، ص ۵۹؛ شانه های زخمی شلاق هاست/ نخل هایت سوگوار بس عزاست، ص ۶۵؛ چشممان شرمناک دیدن هاست، ص ۷۳؛ حنجر عشق، ص ۷۴؛ جنگل زخم دیده را دریاب، ص ۷۶؛ عطش خاک تشنه را دریاب، ص ۷۷؛ یله بر یال سخت صخره و سنگ، ص ۷۷؛ خون مظلوم جنگل محزون، ص ۷۹؛ جاده از خون عشق گلگون است، ص ۸۰؛ بر سر شانه های زخمی شهر/ نعش صد آفتاب می چرخد/ باد در جامه بلند و سیاه/ غرق در اضطراب می چرخد، ص ۸۰؛ در سر قاتلان سبزه و گل/ هوس قتل عام جنگل است/ غرش موج ها سراسیمه است، ص ۸۰.

در مجموعه شعر «عبور از صاعقه»:

دلی روز و شب بانگ یاهو زده/ دلی حلقه بر تاب گیسو زده، ص ۱۱؛ دلی آشنا با شب ناله ها/ دلی هم صدا با تب لاله ها، ص ۱۲؛ چه گفتم با زخم در کارزار/ که شد آفتاب این چنین شرمسار، ص ۱۵؛ دلم در هوایی است کان عاشقان/ به بال و پر خون سفر می کنند، ص ۱۶؛ به عشق حسینی وضو ساختند/ به پیکار با نفس پرداختند، ص ۱۸؛ اگر حجره را از حصیر است فرش/ به دیدارشان بال بگشاده عرش، ص ۲۰؛ دل پاکشان رشک آینه ها/ به بحر ولا موج زن سینه ها، ص ۲۰؛ شجاعت ز ستواریت برده وام/ ز سرچشمه ات معرفت خورده جام، ص ۲۴؛ به دوش دلم زخم ها برده ام/ به جرمی کزان شوکران خورده ام، ص ۲۵.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحلیل و بررسی استعاره‌های اسرافیلی، در دو بعد عمده هنری و فکری بیان می‌شود:

۱. یافته‌ها از دید هنری و زیباشناختی

- کاربرد استعاره در شعر اسرافیلی با هدف زیبایی‌بخشی، هنرورزی و خیال‌پردازی نیست، بلکه فضای صمیمی و عاطفی موضوع جهاد و شهادت، مظلومیت و فداکاری رزمندگان و جوانان ایرانی، حس او را تحریک کرده و این احساس در قالب استعاره در شعر او رخ نموده است.
- استعاره‌های مکنیه شعر اسرافیلی هنری‌تر و زیباتر از استعاره‌های مصرحه اوست که در متن به دلایل آن اشاره شده است.
- در استعاره‌های مصرحه، مستعاره شهید، رزمنده و دشمن، بالاترین بسامد را دارند که خود نشان از تقابل جدی حق و باطل در اندیشه او و به تبع آن در شعر اوست.
- موضوع دفاع مقدس، شهادت و فرهنگ جهاد، خود ابزاری مهم برای تلطیف شعر اسرافیلی و عاملی مهم در صمیمی و عاطفی کردن زبان او دارد که در استعاره‌های او نمود پیدا کرده است.
- محدودیت مستعاره‌های شعر اسرافیلی به مفاهیم فرهنگ جهاد و شهادت نشان از این دارد که شاعر با تمام وجود اندیشه و خیالش در خدمت معنا و مفهومی است که ارائه می‌دهد؛ بنابراین غیر از شش مستعاره متفرقه، بقیه استعاره‌ها در خدمت ساختار کلی این فرهنگ است.
- استعاره‌های اسرافیلی، چه مصرحه چه مکنیه، زود یاب و عاری از پیچیدگی و ابهام است. این امر باعث شده است که مخاطب در درک شعر و مفهوم آن دچار مکث نشود و ارتباط صمیمی و عاطفی شعر با مخاطب قطع نشود؛ البته موضوع جنگ، جهاد و شهادت خود به این سادگی زبان کمک کرده است.
- از نظر بسامد استعاره، مجموعه شعر «در سایه ذوالفقار» بیشترین استعاره را دارد؛ بعد از آن مجموعه شعر «تولد در میدان» قرار می‌گیرد و پایین‌ترین کاربرد استعاره، در مجموعه شعری «عبور از صاعقه» است.

۲. یافته‌ها از دید معنا، مفهوم و فرهنگ

نتیجه مطالعات و بررسی‌های استعاره‌های مصرّحه و مکتبیّه اسرافیلی از منظر مفهومی و موضوعی به صورت خلاصه این است: ارائه فرهنگ جهاد و شهادت با زبان استعاری. این فرهنگ دارای اقتضائات و شرایطی است که در استعاره‌های او نمایان است:

- اول، جبهه حق و باطلی وجود دارد که در تقابل هم هستند. جبهه باطل در زمان ما طاغوت و پهلوی و بعد از آن صدام بعثی و نیروهای پلید او بود که با همیاری عوامل استکباری به کشور ما حمله کردند.

- دوم، باید برای مقابله با جبهه باطل، از جان و مال و نفسانیات گذشت و رزمندگان و مجاهدانی لازم است که از حق دفاع کنند، هرچند در اقلیت باشند و امکاناتشان کم باشد. این نقش را رزمندگان و مجاهدان انقلاب و جنگ به‌خوبی برعهده گرفتند و با ایثار و فدای جان، مال و نفسانیاتشان به سرانجام رساندند. این افراد در استعاره‌های اسرافیلی بیشتر با مستعارمنه‌های گل، ریحان، سبزه، بهار، سرو و غیره آمده است.

- سوم، رهبری الهی و دینی باید این جبهه را هدایت کند. الگوی ما در این مبارزه‌ها اهل بیت (علیهم‌السلام) و شهدای کربلا هستند و امام خمینی (ره) در عصر حاضر، این نقش را برعهده گرفتند.

- چهارم، از این جنگ، جهاد و شهادت دنبال یک هدف والاتر و بالاتری باشیم و آن ایجاد حکومت الهی و حکومت حق است که در زمان ما با انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی رسیدیم.

- پنجم، حکومت اسلامی و حکومت حق باید در یک سرزمین استقرار پیدا کند. بهترین و مناسب‌ترین سرزمین برای این کار، سرزمین ایران است که مردان فداکار، مؤمن و عاشق اهل بیت (علیهم‌السلام) در آن هستند که هم اکنون این روحیه را دارند و سابقه دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) در بین آنان نهادینه شده است و کمتر نفاق و همخویی با استبداد، استکبار و طاغوت در آنها وجود دارد.

نتیجه گیری

مطالعات، تحلیل‌ها و یافته‌های پژوهش در استعاره‌های اسرافیلی، ما را به این نتیجه می‌رساند که شاعر یک نظام فکری و عقیدتی منسجم و دقیق دارد که همه تلاش‌های فکری و زبانی وی از دیدگاه‌های مختلف هنری، مفهومی و بسامدی نیز در راستای همان نظام حرکت می‌کند. با اینکه استعاره برای او فقط یک ابزار است، برجسته‌ترین هنر وی در مضمون‌پردازی است و کنایه، تشبیه، مجاز و سایر شگردهای بلاغی در سایه همین هنر او قرار می‌گیرد. شاعر در خدمت هنر و به صورتی خاص در خدمت استعاره نیست، بلکه هنر در خدمت شاعر است تا فرهنگ و گفتمانی والا و ایدئولوژیک را به مخاطب انتقال دهد و آن، فرهنگ جهاد و شهادت است که با زبان استعاره بیان شده است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که زبان استعاری می‌تواند در خدمت یک فرهنگ و آرمان قرار گیرد، همچنان که شکل برتر آن در شعر اسرافیلی رخ داده است.

فهرست منابع

۱. اسرافیلی، حسین (۱۳۶۵). تولد در میدان. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. چ دوم.
۲. _____ (۱۳۷۲). در سایه ذوالفقار. تهران: دفتر حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس. چ اول.
۳. _____ (۱۳۷۶). عبور از صاعقه. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و شش هزار شهید استان تهران، چ دوم.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. چاپ دوم، ۸ جلد، تهران: سخن.
۵. بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۸۲). حماسه‌های همیشه. ج ۱، تهران: فرهنگ گستر.
۶. ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۴). شکوه شقایق. قم: سماء قلم.
۷. جزینی زاده، محمد (۱۳۸۹). بررسی صور خیال در شعر شاعران دفاع مقدس دکتر قیصر امین پور و دکتر سید حسن حسینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: بهجت‌السادات حجازی، استاد مشاور: مهدی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی.
۸. حسینی، سید حسن (۱۳۹۱). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سوره مهر.
۹. رحمدل، غلامرضا (۱۳۸۸). شلیکم کن پیش از آنکه باروتم نم بکشد (مقالات تحلیلی با موضوع شعر دفاع مقدس). رشت: حرف نو.
۱۰. شبلی نعمانی (۱۳۳۷). شعرا العجم. ترجمه محمدتقی فخر دایی گیلانی، تهران: ابن سینا.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸). صور خیال. تهران: آگاه.
۱۲. _____ (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
۱۳. _____ (۱۳۷۷). معانی. تهران: نشر میترا.
۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). بیان. چاپ سوم از ویرایش سوم، تهران: میترا.
۱۵. شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰). شعر مقاومت و دفاع مقدس. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۶. صدر، احمد؛ کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۹۱). *دایره‌المعارف تشیح*. تهران: انتشارات حکمت.
۱۷. علیقلی‌زاده، حسین (۱۳۹۲). «نقد و تحلیل بلاغی شعر سیمین دخت وحیدی». دومین همایش ملی ادب مقاومت پاریس، دانشگاه پیام نور استان همدان، مجموعه مقالات، ۱۲۰۳-۱۲۲۶.
۱۸. _____ و حمید پولادی (۱۳۹۲). «نقد و تحلیل بلاغی شعر پایداری کاشانی براساس دفتر شعر هزار دامن گل سرخ». دومین همایش ملی ادب مقاومت پاریس، دانشگاه پیام نور استان همدان، مجموعه مقالات، ۱۱۷۹-۱۲۰۲.
۱۹. فارابی، ابونصر (۱۹۵۳). *رساله فی قوانین صناعة الشعرا (فی فن الشعر)*. قاهره.
۲۰. فتوحی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
۲۱. _____ (۱۳۸۳). *صور خیال در شعر دفاع مقدس*. تهران: فرهنگ گستر.
۲۲. قاسمی، حسن (۱۳۸۴). *صور خیال در شعر مقاومت*. تهران: فرهنگ گستر.
۲۳. _____ (۱۳۸۴). «*صور خیال در شعر مقاومت*». کتاب هفته، دوره جدید، ش ۲۱، ۲۹ (فروردین).
۲۴. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۷). *بیان*. چاپ ۸، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
۲۵. گُوچش، زُلتن (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه شیرین پورابراهیم، تهران: سمت.
۲۶. کولیوند، آرزو (۱۳۹۲). *بررسی صور خیال در شعر پنج تن از برجسته‌ترین شاعران ادبیات مقاومت پیش از انقلاب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمود حکم‌آبادی، استاد مشاور: مهدی شریفیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تویسرکان، گروه زبان و ادبیات فارسی.
۲۷. محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۸). *فرهنگ روزنامه‌نگاری*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. نصیریان، یدالله (۱۳۸۷). *علوم بلاغت و اعجاز قرآن*. چاپ ۸، تهران: سمت.
۲۹. هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.